

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم "اسیر"

فکر درم!

(از بخش دوم « فریاد اسیر »)

طنز انتقادی

از خود برون، بفکر درم یکقلم شدم
یک بیش و کم به آرزوی بیش و کم شدم
در فکر سیر کردن نفس و شکم شدم
چندی پی تلافی این رنج و غم شدم
خامش نشسته، منکر لا و نعم شدم
در فکر پیش بردن این بار غم شدم
دستش گرفته در غم او پُر الم شدم
با پاره پاره دامنی، چم رفته خم شدم
در جست و جوی راحت و جاه و حشم شدم
در هر کجا معزز و هم محترم شدم
که تلخ و گه تَرش به هزاران رقم شدم
در پای خُم به آرزوی خام، خم شدم
جامی بکف گرفته تو گوئی که جم شدم
در ساز زندگی رقم زیر و بم شدم
ای واکه با وجود خیالی عدم شدم

چندی قلم شکسته به فکر درم شدم
کم بود بیش ازین سر و سامان زندگی
رشکم به اشکم دگران آمد، از تلاش
بس رنجه ز گُردش دوران کشیده ام
از ذوق شعرگوئی و تهدید و انتقاد
ببار عیالداري به دوشم فتاده بود
طفلی که پا برهنه به مکتب روانه بود
با دیگرس که پاره لباسی به تن نداشت
بس احتشام خلق جهان چشمگیر بود
پولی به دست آمد و با آستین نَو
بسیار تلخ دیده و شیرین شنیده ام
شبهه به یاد نرگس مخمور گلرخی
رند خراب و دلخ کرامات سوخته
دیدم بسی فراز و نشیب زمانه را
با این هوس، به ماده ز معنی گریختم

پا از گلیم خویش برون کرده، چند روز در جان خویش مایه درد و ستم شدم
دیدم که این هوا و هوس جمله خام بود بار دگر به پختگی، در راه سم شدم
برداشتم قلم که کنم انتقاد «اسیر»
بُران بسان خنجر تیز دو دم شدم

(کابل عزیز - حوت ۱۳۳۵ ش)